



زبان نوین تصویر در طراحی معاصر

● قسمت هفتم

«معبد رمزی خدایان»، بیضه عالم و معنای رمزی متعال در شکل دایره متحقق می‌شود. یونگ دایره را نماد انسان به کمال رسیده و مظهر یکپارچگی و وحدت آسمانی انسان با هیأت رمزی و آسمانی می‌داند و گردیسی شکل دایره به اشکالی مانند بیضی، خطوط حلزونی و خطوط منحنی می‌انجامد. خطوط حلزونی کمابیش همان کارکرد دایره را دارند و انرژی نهفته‌ای را نمایان می‌کنند، که در اشکال طبیعت مثل: باد، ابر، کلهکشان، نور خورشید و گردآب وجود دارد. همچنین در نقوش و نقاشی‌ها و در چیدن پیکره در ترکیب بندی به کار می‌رود. «هاوارد هادکین با استفاده از فرم دایره و حرکت تند قلم‌موری آن، ترکیب نوینی از کارکرد یکی از شکل‌های بنیادی در تصویر به دست می‌دهد. سطوح هندسی، چه بنیادی و یا ترکیبی از آنها، زمانی ایجاد فضا می‌نمایند که ذهنی خلاق و بکر پشتوانه آن باشد.» (۱)

■ دایره

دایره نمادی از حرکت و زمان است. در عین حال دایره نمادی است از آسمان، عالم ملکوت، حرکت اجرام سماوی در حول محوری دوار و سیار و نیز نمادی است از جهان معنوی و متعال. دایره درون مرکز است و با حرکت دورانی خود بیننده را به درون می‌کشد و او را در خود متمرکز می‌کند. دایره مبین زنانگی و عنصر مؤنث است و نشانی از احساس دارد. دایره بیش از هر شکل دیگر مبین حرکت است و چنانچه زمانی ابزار متحرک مافوق سرعت صوتی ابداع شود که چرخ به طور مستقیم در پویایی آن نقش نداشته باشد، باز این چرخش سریع و بی‌وقفه توربین‌ها و بلبرینگ‌ها خواهد بود که موجب جنبش و حرکت خواهند شد.

«یونگ» در روانشناسی و «میرچا الیاده» در تاریخ ادیان نشان داده‌اند که چگونه رمز دایره می‌تواند نمادی از فضا و زمان قدسی باشد. «تصویر جهان».

کردار نیک و یا پدر،
 پسر، روح القدس و یا
 سه رنگ اصلی: آبی،
 زرد، قرمز، در این
 رابطه قرار می‌گیرند.
 مثلث هنگامی که بر
 پایه استوار است،
 آتش است و چون بر
 نوک خود استوار شده
 باشد، آب است. وقتی
 مثلث آتش با قاعده
 مثلث دیگر قطع شود،
 علامتی که به دست
 می‌آید علامت
 هواست؛ و هنگامی
 که مثلث آب به نوک
 خود در قاعده قطع
 شود، علامت خاک به
 دست می‌آید. به این
 ترتیب با قرار دادن
 این دو مثلث بر روی
 هم، ستاره‌ای شش
 پهلو پدید می‌آید که
 مجموعه عناصر عالم



را تشکیل می‌دهد. این شکل را ستاره داوود یا مهر
 سلیمان می‌نامند، زیرا سلیمان مهري بدین ویژگی
 داشت که نشانه قدرت و اقتدار تقدس او بود.
 از ترکیب سطوح سه گانه اصلی (مربع، دایره،
 مثلث) شکل‌های بی‌شماری پدیدار می‌گردند که
 دستمایه و ابزاری برای ایجاد و فضا توسط هنرمندان
 است.

«راهیان ذن در زمانی متجاوز از دویست سال پیش
 به ساده‌ترین اشکال بنیادی هندسی دست یافته و از
 آن برای تصویر، ایجاد فضا بر روی سطح دوبعدی
 و نیز عاملی برای تمرکز سود برده‌اند. در سده نوزدهم
 پل سزان، طبیعت را در قالب همین فرم‌ها دید و ساده
 نمود و در سده بیستم مدرسه باهاوس و نیز هنرمند
 معاصر «رابرت مادرویل» زیر نفوذ این تجربیات،
 آثاری آفریدند.» (۵)

هنرمند نقاش فضاهای منفی بین اشکال را نیز با
 دقت مورد توجه قرار می‌دهد، زیرا او با تعدیل و
 تنظیم این فضاها می‌تواند عمل و خصلت نگاره‌ها
 (اشکال) مثبت را شدت بخشد. اهمیت فضاهای منفی
 در یک طرح برابر با اهمیت فواصل زمانی در موسیقی
 و فضاهای خالی در نمای معماری است.

■ کاربرد خط

«ذهن خلاق هنرمند در خلاء عمل نمی‌کند. آفریده

از زمان‌های بسیار دور، شکل دایره در نماد «بین» (۲)
 مظهر تاریکی و «یانگ» (۳)، مظهر نور، در فرهنگ
 چین مطرح بوده است. این نمودار ترتیب مقارنی از
 بین تاریک و یانگ روشن است. اما تقارن آن ایستا
 نیست، بلکه تقارنی دورانی است که معرف یک
 حرکت چرخشی پیوسته و بسیار نیرومند است و بنابه
 گفته «کویی. کو. تزو» در سده چهارم قبل از میلاد:
 «یانگ چرخ زنان به مبداء خود بازمی‌گردد و بین
 وقتی به اوج خود رسید جایش را به یانگ می‌سپارد.»
 «زوج بین و یانگ آهنگ حال‌آور بزرگی است که
 در فرهنگ چین نفوذ کرده و همه چهره‌های راه زندگی
 سنتی چین را معین می‌کند. به گفته «چوانگ تزو»
 زندگی عبارت است از هماهنگی در ترکیب بین و
 یانگ، چون چینی‌ها مردمی کشاورز هستند پیوسته با
 حرکات ماه و خورشید و تغییرات آشنایی دارند.
 تغییرات فصلی و پدیده‌های نشو و نما و مرگ و
 زوالی که با نظمی طبیعی در دنبال آنها به وجود
 می‌آیند، از نظر آنان روشن‌ترین توضیحات برای
 فعل و انفعالات متقابل بین یانگ و بین، زمستان تیره
 و سرد و تابستان گرم و روشن است.» (۴)

■ مثلث

مثلث نمادی است از ایستایی و توازن. نیز نمادی
 است از زهدان، شعارهایی نظیر گفتر نیک، پندار نیک،

او، در هنرهای تصویری و در هنرهای کاربردی نظیر معماری و طراحی صنعتی، پیوسته از طبیعت، محیط و جهان بینی حاکم بر زمانش نشأت می‌گیرد. مسلماً همه در جریان کار و فعالیت‌های روزمره، در تماس با پدیده‌های طبیعی‌اند و به گونه‌های مختلف آن را در طول زمان تجربه می‌کنند. ولی این تنها ذهن خلاق، فعال و حساس آفریننده هنرمند است که در یک فرآیند پیچیده، تأثیراتی را که از طبیعت اخذ می‌کند، به نظم درمی‌آورد و برای شکل عملکردی آن، با توجه به ابزاری که در دسترس دارد، تنظیمی در خود می‌یابد و شکلی متناسب با فرهنگ و جهان بینی خود، می‌تراشد. به طور مثال حرکت عمودی ساقه‌های درختان کاج در طبیعت می‌تواند الهام‌بخش طراح و معمار ستون‌های رفیع کلیسایی باشد که در قرون وسطی شکل گرفته است.

در شرق دور راهبان دیرهای متعلق به مکتب نن، شیوه خاصی برای آراستن صحن باغ‌های شنی خود دارند. راهبان صخره‌هایی را که با وسواس بسیار از نقاط دور دست انتخاب کرده‌اند با دقت در محل‌های مورد نظرشان مستقر می‌سازند و سپس با حساسیت ویژه‌ای که تنها از طریق تمرکز و مراقبه در ناتشان حاصل آمده است، با شن‌کش‌ها خط‌های افقی و عمودی در صحن باغ ایجاد می‌کنند و اطراف صخره‌ها را با دوایری مکرر می‌آرایند. الهام‌بخش راهبان زن برای آراستن چنین باغ‌هایی، امواج آب دریاها در اطراف صخره‌هایی است که سر از آب به در آورده‌اند.

یکی از این باغ‌ها، چهارصد سال پیش، در دیر «دیسنین» (۶)، در «کیوتوی ژاپن» به دست «سوآمی» (۷) شاعر بنیاد شد.

«گنزو تانگه» از معماران معاصر ژاپن تلاش دارد این سنت فرهنگی را با امکاناتی که تکنولوژی جدید در اختیارش قرار داده است همراه ساخته و از ترکیب آنها پدیده‌ای نو بسازد. خود او می‌گوید: «گاهی سنت را با فعل و انفعالات شیمیایی مقایسه می‌کنیم که باید همچون کاتالیزور عمل کند و چیزی نو پدید آورد و در حالی که اثری از سنتی که از آن الهام گرفته آشکارا دیده نشود.»

نظم هندسی، پویایی و خطوط اوج گیرنده در معماری گنزو تانگه ملهم از باغ‌های شنی، سنتی ژاپنی است که شکل نوین به خود گرفته است. عامل شکل‌گیری در هر دو فضای سنتی و نوین، خط است که با توجه به کاربردش کیفیت‌های متنوعی به خود گرفته است.

خط به تنهایی امکانات بالقوه فراوانی دارد و مانند آب چنان سیال است که می‌تواند به هر قالب و شکلی درآید و نیازهای طراح را برآورده سازد. آنچه در این میان حایز اهمیت است، ذهنی خلاق و آشنا به فرهنگ

و ویژگی‌هایی اقلیمی و قومی هر منطقه و وجود دستی توانا برای اجرای آن است.

خط در فرهنگ‌های مختلف کاربردهای گوناگونی داشته است. ولی از همه اعجاب‌آورتر خطوط و نقوشی است که بومیان اهل پرو، در ۵۰۰ کیلومتری جنوب شرقی لیما، به صورت نهر یا شیار در صحرای غیرقابل کشت «نازکا» ترسیم نموده‌اند. این نقش‌ها آن چنان عظیم و وسیع‌اند که امکان رؤیت آنها از روی زمین میسر نیست و تنها با هواپیما می‌توان به وجود و شکل نهایی‌شان پی برد. چنانچه با هواپیما به این شیارهای کنده شده در دل خاک نگریسته شود، اشکال اغراق آمیزی از مرغان، عنکبوت، سوسمار، سگ، ماهی، نهنگ با شکل‌های هندسی پیرامون آن نظیر ستاره‌ها، مستطیل‌ها و چندضلعی‌ها آشکار می‌گردد. این اشکال متعلق به تمدن نازکا است که از حدود ۲۰۰ ق.م تا ۶۰۰ میلادی در این منطقه حیات داشته است» (۸)

هنرمندان معاصر برای بیان ذهنیات خود بیشترین استفاده را از خط برده‌اند. تنها کافی است در محیط‌های شهری اندکی تأمل کنیم و تعدد و تنوع خطوط را در فضای اطراف تجربه کنیم حضور در فضای شهر بر جسم و روان تأثیر گذاشته و در شکل‌دهی عینی اثر، تأثیر بسزایی می‌گذارد.

«در اثر «کارلوس کروز - دیان» (۹) هنرمند ونزوئلایی، به نام «فیزوکرومی» (۱۰۱۲)، هنرمند با استفاده از خطوط عمودی که با نظم بسیار دقیق و حساب شده‌ای در کنار هم قرار گرفته‌اند، اثر خود را سازمان بخشیده و نظم نوینی از فضا به دست داده است. همین گونه تأثیر بر اثر «اوا هس» (۱۰) به نام «جنیش



شکل‌های اندام‌وار، صور طبیعی (چون: قطره آب، سنگ، برگ درخت و جز اینها) را تداعی می‌کند و شکل‌های هندسی که می‌توان به سه شکل بنیادی مربع، دایره و مثلث اشاره نمود.

در دایرةالمعارف هنر در تعریف شکل آمده است: «شکل Shape بخش متمایز شده از فضای پیرامون به واسطه خطوط مرزی یا تفاوت در رنگ، رنگسایه و بافت. بیشتر بر سطح دلالت می‌کند تا حجم. مربع، دایره و مثلث متساوی‌الاضلاع را شکل‌های بنیادی می‌نامند و صور متنوع دیگری از آنها حاصل می‌آیند، که تداعی کننده هیچ صورت طبیعی نیستند. هر شکل بنیادی جهت بصری خاص و معناداری را بیان می‌کند: مربع، جهت افقی و عمودی؛ مثلث، جهت اریب؛ و دایره، جهت دورانی» (۱۳)



■ مربع

مربع نماد انسان و طبیعت است، نموداری از استواری، مردانگی، سکون، منطق و معرف زمین است. در عین حال نمادی است از جهان مخلوق. مربع مبین کشتزار، حصار، پنجره و جان پناه است. مربع به عنوان بخشی از فضای دوبعدی محدود شده میان مثلث (در سطح و رویین بودن) و دایره (در ژرفا و زیرین بودن) قرار می‌گیرد، یعنی فضای معتدل و میانه، نه سطحی و نه چنان ژرف.

«از دوران قبل از تاریخ در هنر سفالگری فلات ایران، تصویری به قدمت خود دنیا ظاهر شده است: تصویری که فضا را به چهار قسمت می‌کند و مرکز آن نقطه محوری یک صلیب است. روانشناسی به ما آموخته است که این «اتم هسته» (۱۴) نخستین طرح روح است از هاویه ظلمت ازلی، این طرح را پیایی در همه تجلیات روح ایرانی می‌بینیم، بخصوص که تشکیل دهنده آن فضای مثالی است که قبل و پس از اسلام، عنصر غالب بر اندیشه و هنر ایرانی بوده است» (۱۵)

«افلاطون شکل چهار ضلعی مربع را زیبا به معنی مطلق آن می‌داند و «ابویعقوب» عدد چهار را کاملترین رقم می‌شناسد؛ زیرا به تعداد حروف الله: ال ل ه. است» (۱۶)

● ادامه دارد

● پاورقی‌ها:

- ۱- مهدی حسینی: همان کتاب، ص ۴۶. Yin-۲ Yang-۳
- ۲- فریتیوف کامپرا: تانوی فیزیک. ترجمه حبیب‌الله دادفرما، انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۲، صص ۱۱۶، ۱۱۴.
- ۳- مهدی حسینی: همان کتاب، ص ۲۷. So-ami ۶-Daisenin-۷
- ۴- مهدی حسینی: همان کتاب، صص ۳۰، ۲۷، ۲۶.
- ۵- (۱۹۲۲) Carlos Cruz - Diez - Eva Hesse - ۱۰
- ۶- همانجا، ص ۳۶
- ۷- (۱۹۶۷-۱۹۸۲) Hopper
- ۸- Doodling-۱۳
- ۹- Image-۱۵. روئین پاکیزان: اقتباس از متن مصاحبه. ۱۶- هانیبال الخاص: اقتباس از متن مصاحبه.

بی‌نظم» آشکار است. با این تفاوت که اثر «کارلوس کروز-دیاز» دوبعدی، ولی اثر «اوا هس» سه‌بعدی است. نقاشی کروز - دیاز با نظمی ظریف و ریاضی‌گونه تنظیم یافته است. در حالی که اثر هس، جنبشی به ظاهر نامنظم دارد ولی چنانچه دقت شود، صفحات تیره‌رنگ عمودی اثر هس، به دقت تقسیم‌بندی شده، از طریق خطوط منقطع عمودی و افقی شطرنجی گردیده، در محل تقاطع خط‌ها، با مته، حفره‌هایی ایجاد شده و سپس با گذراندن کابل‌های متعدد تحرک خطی پویایی به آن بخشیده است، که خاطره شبکه‌های ارتباطی، کابل‌های تلفن شهری، شبکه‌های مخابراتی یا جعبه تقسیم‌های الکترونیکی در یک برج مسکونی یا تجاری را در ذهن بیننده بیدار می‌سازد.

پویایی و تحرک دل‌مشغولی هر دوی این هنرمندان معاصر بوده است. ولی اثر نخست با نظمی ریاضی‌گونه عینیت یافته و دیگری مبین فضایی متشنج است» (۱۱)

■ سطح

«سطح» (۱۲) از دگرگونی و انفجار نقطه، خط و یا تاریخ روشن ایجاد می‌شود. حرکت خط در طول خود و تراکم نقطه‌ها و خط‌ها ایجاد گستره می‌کند و حداقل سه نقطه در فضا ایجاد احساس سطح می‌نماید. به عبارت دیگر، همان‌طور که حرکت نقطه در فضا، خط ایجاد می‌کند، حرکت خط در فضا، موجب پدید آمدن سطح است. سطح به صورت مطلق کمتر در طبیعت یافت می‌شود و آنچه که سطح است و در دسترس انسان قرار دارد و یا از آن بهره می‌گیرد، اغلب ساخته ذهن و دست خود اوست. سطح در شکل‌های بی‌شماری پیرامون ما یافت می‌شود. ولی از نظر تقسیم‌بندی، شکل‌ها به دو صورت‌اند: